

منبع قدرتی که از ابدیت به قلب‌های ما جاری می‌شود تیتوس ۳، ۴ تا ۷

اما چون مهربانی و انساندوستی نجات‌دهندهٔ ما خدا آشکار شد،⁵ ما را نه به سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم، بلکه از رحمت خویش نجات بخشید، به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح‌القدس است؛⁶ که او را به‌فراوانی بر ما فرو ریخت، به واسطهٔ منجی ما عیسی مسیح،⁷ تا به فیض او پارسا شمرده شده، بنا بر امید حیات جاویدان، به وارثان بدل گردیم.



خیلی کارها هست که می‌توانید در کریسمس اشتباه انجام دهید. آیا به همه هدایا فکر کرده‌اید؟ آیا اندازه‌ی آن پیراهنی که برای دوستان خریده‌اید، اصلاً درست است؟ و آیا دوستان از اینکه به او کتاب آشپزی داده‌اید، به شدت آزرده نخواهد شد؟ و شام کریسمس چطور؟ اگر بسوزد چه؟ وقتی خانواده می‌آیند، آیا جشن آرامی خواهیم داشت یا مثل سال گذشته بحث و جدل خواهیم داشت؟ بیایید صادق باشیم! کریسمس، حتی با اینکه شگفت‌انگیزترین زمان سال است، بسیار طاقت‌فرسا است! دقیقاً به این دلیل که انتظارات بسیار بالاست و خیلی چیزها می‌تواند اشتباه پیش برود. و درست در همین زمان است که خدا متولد شد. یک وقفه غافلگیرکننده در زندگی روزمره که پر از استرس و نگرانی است. آنچه در کریسمس اتفاق می‌افتد، از یک طرف کاملاً عادی است. طبیعتاً والدین در مورد تولد فرزندشان استرس داشتند. و سپس کودک متولد شد. چیزی کاملاً عادی، چیزی که میلیون‌ها بار در هر ثانیه در دنیای ما اتفاق می‌افتد. و سپس غافلگیری از راه می‌رسد. کودک به هیچ وجه عادی نیست. او خدا در میان ماست! نجات‌دهنده ما از همه چیزهایی که ما را تحت فشار و ستم قرار می‌دهد. نامه تیتوس دقیقاً ما را به سوی این کودک هدایت می‌کند. و او این را با این کلمات توضیح می‌دهد: «چون مهربانی و انساندوستی نجات‌دهندهٔ ما خدا آشکار شد.» سخنان او با داستان معمول کریسمس که ما از آخور به یاد داریم، متفاوت است. در عوض، آنها ما را به قلب خدایمان هدایت می‌کنند و به ما اجازه می‌دهد ببینیم که چرا خدا انسان شد. و در آنجا، تیتوس به ما اجازه می‌دهد رحمت خدایمان را ببینیم. ما به قلب خدا نگاه می‌کنیم و متوجه می‌شویم که او ما را می‌شناسد. بله، او فقط ما را نمی‌شناسد. او واقعاً متأسف است که ما اینقدر سخت کار می‌کنیم و برای خودمان و دیگران اینقدر دردسر ایجاد می‌کنیم. این پیام مهربانی خدا دقیقاً در نقطه درست در نامه به تیتوس آمده است. زیرا بخش قبلی مانند استرس کریسمس به نظر می‌رسد. این در مورد کاری است که ما انسان‌ها قرار است انجام دهیم. در مورد وظایف ما. وظایف ما در کلیسا، به عنوان مسیحی، و همچنین به عنوان مسیحی در خانواده. و فکر می‌کنم اکنون همه ما می‌توانیم آهی عمیق بکشیم و بپرسیم: آیا به اندازه کافی کار کرده‌ایم؟ این با تمام انتظارات برآورده نشده کریسمس مطابقت دارد. همچنین با احساس ناراحتی ما در روز کریسمس مطابقت دارد. آیا نباید بیشتر کار کنیم؟ بیشتر برای دیگران، و به خصوص بیشتر برای فقیرترین‌های جهان؟ بله، خیلی چیزها می‌تواند اینجا اشتباه پیش برود. نه فقط در افکارمان، بلکه در اعمالمان نیز. خدا این احساس ناخوشایند را قطع می‌کند. خدا همچنین شکست ما در خوب بودن را قطع می‌کند. او این را با ظهور خیرخواهانه تولد عیسی قطع می‌کند. تولد عیسی واقعاً نقطه عطفی در تمام شکست‌های انسانی ماست. این فقط مربوط به این نیست که خدا کمی روح کریسمس را تندتر کند یا به ما کمک کند تا انسان‌های بهتری باشیم؛ نه، چیزی کاملاً جدید در حال وقوع است. این نجات از یک وضعیت ناامیدکننده، تاریک و غیرقابل تحمل است که در آن قرار داریم. برای ما انسان‌ها، این عشق غیرقابل درک است. به همین دلیل است که تیتوس نیز از آن به عنوان یک ظهور شگفت‌آور صحبت می‌کند. ظهوری که هیچ کس انتظار آن را نداشت. ما درست مانند چوپانان در مزارع هستیم که درگیر زندگی روزمره خود بودند و ناگهان نوری درخشان دیدند. در ابتدا با ترس به آسمان نگاه کردند، اما در نهایت خود را در حال

پرستش در مقابل آخور دیدند. ممکن است ما برای کریسمس آماده شده باشیم. ممکن است سعی کنیم خدا را درک کنیم، همانطور که سعی می‌کنیم کریسمس را درک کنیم. ما می‌خواهیم به او دیکته کنیم که باید چگونه باشد. اگر او ما انسان‌ها را دوست دارد، پس باید بالاخره جنگ را پایان دهد... و غیره و غیره، اگر او واقعاً خدای مهربانی است. اما خدا فراتر از آرزوهای ماست. وقتی تیتوس آن را اینگونه توصیف می‌کند: «اما هنگامی که مهربانی خدا ظاهر شد»، منظورش نقطه عطفی است که با آمدن عیسی به سوی ما رخ داد. آمدن عیسی در نقشه ابدی خدا تعیین شده بود. و از طریق این عیسی، که از سفر طولانی به سوی ما آمد، آغازی جدید ساخته می‌شود. این آغاز جدید دقیقاً همان جایی است که خدا انسان شد. ما انسان‌ها انتظارات خود را از اینکه خدا چگونه باید باشد و مهمتر از همه، چه باید بکند، داریم. اما این انتظارات اغلب نادرست از آب در می‌آیند، مانند انتظارات نادرست در کریسمس. خدا آنطور که ما فکر می‌کنیم نیست و آنطور که ما فکر می‌کنیم عمل نمی‌کند. این امر به ویژه در کریسمس صادق است. درست است که رنج عظیمی در جهان وجود دارد. درست است که همه ما در برابر آن درمانده هستیم و آرزو می‌کنیم که ای کاش می‌توانستیم کاری در مورد آن انجام دهیم. یا دست کم می‌توانستیم کار بیشتری انجام دهیم. و خدا چه می‌کند؟ او انسان شد. او یکی از ما شد. او دقیقاً جایی قرار می‌گیرد که ما هستیم. بله، حتی آنجا، و به خصوص در جایی که مردم دلسرد شده‌اند و امید خود را از دست داده‌اند. آخوری که عیسی در کودکی در آن خوابیده بود، محل ملاقات با خداست. بعدها در زندگی‌اش، این آخور جایی بود که عیسی در بزرگسالی با باجگیران، گناهکاران و بیماران روبرو می‌شد. نکته خاص در این مورد این است که خدا به روشی بسیار شخصی به ما نزدیک می‌شود. نه به این صورت که ما بترسیم و بلرزیم، بلکه مانند کودکی در آخور. او در مقابل ما نمی‌ایستد، بلکه برای ما شفاعت می‌کند. و او دقیقاً به کسانی نزدیک می‌شود که احساس می‌کنند از خدا بیگانه، دور و حتی از او متنفرند. عیسی همه شر را از جهان ریشه‌کن نمی‌کند. او دقیقاً خود را در جایی قرار می‌دهد که رنج وجود دارد. حتی جایی که رنج عمیق‌ترین است. اینکه خدا انسان شد به این معنی است که از زمان تولد عیسی، دیدگاه خدا نسبت به ما متفاوت خواهد بود. همچنین به این معنی است که دیدگاه ما نسبت به خدا کاملاً متفاوت خواهد بود. به جای شکست و نقص انسانی، ابدیت در میان ما جاری می‌شود. به جای تنهایی، خدا در میان ماست. خدا در میان ماست... حتی در جنگ و درگیری. به جای درگیری و جدایی، او آشتی و عشق را به ارمغان می‌آورد.

و این به این دلیل است که عیسی آنجاست. پادشاهی خدا با تأمل ما و تبدیل شدن به انسان‌های بهتر آغاز نمی‌شود. همچنین به این معنی نیست که هر جنگی و هر رنجی ناگهان پایان می‌یابد، بلکه پادشاهی خدا با بخشیدن خود به ما توسط خدا آغاز می‌شود. در نامه به تیتوس، این آغاز جدید به شیوه‌ای واقعاً خارق‌العاده توصیف شده است. آغاز جدید، تولد تازه از آب است. منظور تیتوس، غسل تعمید است. زیرا با غسل تعمید، اتفاقاتی که در تولد عیسی رخ داد، به هم می‌پیوندند. خدا از آسمان تا ما راه درازی را طی می‌کند و عشق خود را در قلب‌های ما می‌ریزد. همانطور که در آن زمان هویت خدا در آخوری قرار داشت، در تولد تازه‌ی شما نیز خدا در غسل تعمید است. کودک مسیح فقط به آخور در بیت‌لحم نمی‌آید. نه، او همچنین به نزد شما می‌آید و همه چیز را در درون شما نو می‌کند.

نکته زیبا در مورد این کودک این است که او یک هدیه است. خدا او را از روی رحمت و عشق خالص به ما داده. لازم نیست کاری کنیم تا او به سوی ما بیاید. او به سادگی می‌آید. و وقتی او می‌آید، چیزی در میان ما نیز تغییر می‌کند. می‌توان گفت چیزهایی که عیسی می‌آورد مانند یک درخت کریسمس کاملاً تزئین شده هستند. زیرا عیسی هدایای روح القدس را به وفور بر ما ریخته است. او حتی مهربانی خود را در درون ما نیز ریخته است، به طوری که مهربانی او ما را نیز مهربان می‌کند. هر کسی که در این سونامی عشق خدا غرق شود و با نور او روشن شود، دیگر نیازی به تلاش ندارد. آنها نیازی ندارند که خود را تا سر حد خستگی برای تبدیل شدن به بهترین مسیحی ممکن یا حتی فقط یک فرد خوب، به کار گیرند. مسیحی با انتظارات

غیرقابل تحقق زندگی نمی‌کند، بلکه با عشق تجسم یافته زندگی می‌کند، عشقی که ما را پر می‌کند زیرا می‌تواند از فراوانی بهره ببرد.

تصادفی نیست که تیتوس پس از گفتگو در مورد تمام وظایف ما، از مهربانی خدا صحبت می‌کند. بنابراین، او مستقیماً با بقایای خرد شده ناامیدی ما صحبت می‌کند. زیرا دقیقاً در آنجاست که خدا می‌خواهد رحمت و عشق خود را بتاباند. او می‌خواهد نور خود را بتاباند و در جاهایی که درخت‌های کریسمس دور انداخته شده‌اند، هدایا از بسته‌بندی خارج شده‌اند و خماری روز بعد همچنان باقی است، سخن بگوید. بله، در جاهایی که ما انسان‌ها قدرت خود را از دست می‌دهیم و آخرین ذره‌ی قدرتمان از ما گرفته می‌شود، به طوری که دیگر نمی‌توانیم از قدرت خود صحبت کنیم، بلکه می‌توانیم از قدرت او صحبت کنیم. آمین.